

## اقدام متقابل و حقوق بین الملل

مسعود راعی دهقی\*

### چکیده

اقدام متقابل جزء مهم ترین مباحث مطرح در رابطه با مسئولیت بین المللی دولت هاست. اختصاص یافتن مواد ۴۹ تا ۵۳ از طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین المللی ناشی از رفتار خلاف دولت ها (بخش سوم از فصل دوم) بیانگر اهمیت این ضمانت اجرای بین المللی در خصوص نقض تعهدات است. کمیسیون حقوق بین الملل طی مواد مذکور به هدف، محدوده، شرایط و سایر مسائل مربوط به اقدام متقابل پرداخت. سؤال اصلی در بحث اقدام متقابل آن است که در صورت نقض تعهد توسط یک دولت، چه اقداماتی توسط دولت خسارت دیده می تواند به عنوان اقدام متقابل صورت پذیرد؟ آیا این اقدامات صرفاً توسط دولت مستقیم صدمه دیده می تواند و یا باید صورت گیرد و یا برای دولت های ثالث هم امکان پذیر است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا صلح و امنیت بین المللی مورد تهدید قرار نخواهد گرفت؟

از مباحث مطرح در این زمینه و با لحاظ روش توصیفی - تحلیلی به دست می آید که هنوز در خصوص این تأسیس جمعی توافق جامعی صورت نگرفته است. مشکل اصلی ناشی از فقدان چارچوبه نظریه پذیرفته شده جهانی است. علی رغم آنکه کمیسیون حقوق بین الملل تلاش های زیادی نیز انجام داده است.

**کلیدواژه ها:** اقدام متقابل، ضمانت اجرا، حقوق بین الملل، دولت صدمه دیده، دولت مسئول، اصل تناسب.

## مقدمه

اهمیت این موضوع از آنجاست که در رأی دادگاه بین‌المللی دادگستری مربوط به پرونده «ناجی موریس» (۱۹۹۷) به تفصیل مورد توجه دادگاه قرار گرفت. دادگاه در رأی خود به این نکته توجه کرد که نه تنها مجارستان حق نداشته به صورت یک‌جانبه تعهدات خود را در خصوص پرونده احداث سد و پله آبی بر روی رودخانه دانوب نقض کند، بلکه دولت اسلواکی نیز حق نداشته با تعریف یک‌جانبه از پرونده، احداث پله آبی را تداوم بخشد؛ چراکه اقدام یک‌جانبه این دولت می‌تواند به حقوق دولت مجارستان در استفاده برابر و معقول از رودخانه لطمه بزند. دولت اسلواکی در این خصوص معتقد بود که اقدام یک‌طرفه او قانونی است؛ چراکه تنها راه جلوگیری از زیان وارده ناشی از عمل دولت مجارستان، اقدام یک‌جانبه‌ای بوده است که این دولت انجام داده است.<sup>(۵)</sup>

مطابق قواعد حقوق بین‌الملل، دولت صدمه دیده باید بعد از ورود خسارت، اقداماتی را در پیش گیرد که حداقل ضرر و زیان را به دنبال داشته باشد. از نظر دادگاه بین‌المللی دادگستری، این اصل مورد پذیرش است، ولی اصل کاستن از خسارت خود نمی‌تواند منشأ یک اقدام غیرقانونی باشد، بلکه باید تعیین‌گر نتایج حقوقی یک اقدام خطا باشد.<sup>(۶)</sup>

سؤال اصلی در خصوص اقدام متقابل آن است که چه نوع اقداماتی برای متوقف کردن عمل دولت ناقض می‌توان به عمل آورد؟ آیا این اقدامات صرفاً توسط دولتی باید انجام گیرد که از نقض تعهد به طور مستقیم صدمه و خسارت دیده است یا دولت‌های ثالث هم که به طور غیرمستقیم متضرر شده‌اند، می‌توانند چنین اقداماتی را به عمل آورند؟ برای مثال، آیا دولت‌های مسلمان که از

اقدام متقابل از جمله ضمانت اجرای بین‌المللی است که در حوزه مسئولیت بین‌المللی به طور جدی مطرح است. عمل قانونی اما غیردوستانه کشوری علیه کشور دیگر را که به تلافی یک عمل غیردوستانه اما قانونی و به منظور وادار کردن آن کشور به تغییر رفتار غیردوستانه خود انجام می‌گیرد «عمل متقابل» می‌گویند.<sup>(۱)</sup> عمل متقابل هرگز در شکل زور مسلحانه روی نمی‌دهد؛ زیرا در این صورت، یک اقدام تلافی‌جویانه غیرقانونی خواهد بود. عمل متقابل نباید الزاماً متقابل به مثل باشد، اگرچه اغلب شکل اعمالی از همان نوع عمل غیردوستانه اصلی را به خود می‌گیرد.<sup>(۲)</sup> عمل متقابل از اقدام تلافی‌جویانه متفاوت است؛ چراکه اقدام تلافی‌جویانه عملی است که به خودی خود غیرقانونی می‌باشد، اما عمل متقابل از طریق اعمال قانونی صورت می‌گیرد.<sup>(۳)</sup>

پیشینه این تحقیق به تلاش‌های ۵۰ ساله کمیسیون حقوق بین‌الملل برمی‌گردد. طی این مدت گزارشگران چندی به تدوین مقررات بین‌المللی پرداختند که در نهایت در سال ۲۰۰۱م، پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی ناشی از رفتار خلاف دولت‌ها به دبیرکل مجمع عمومی سازمان ملل توسط کمیسیون مذکور ارائه شده، از زمان ارائه این طرح تاکنون در مورد اقدام متقابل، تحقیق چاپ‌شده خاصی مشاهده نشد. البته در پایان‌نامه دکترای نگارنده به برخی از ابعاد اقدام متقابل اشاره گردیده است.<sup>(۴)</sup> اما سؤال اصلی که در این تحقیق دنبال می‌شود خود سؤال جدیدی است. نوآوری این تحقیق را باید در پاسخ به سؤال دوم ملاحظه کرد؛ چراکه اقدام متقابل توسط ثالث از مباحث نوپیدای حقوق بین‌الملل است که هنوز هم نیاز به تأمل‌های زیادی دارد، به ویژه اگر به موضوع سوءاستفاده از حق توسط دولت‌ها در این رابطه توجه شود.

اقدام متقابل رافع مسئولیت بین‌المللی است. از آن رو که استناد به این حق همانند سایر حقوق می‌تواند با سوءاستفاده همراه شود، کمیسیون حقوق بین‌الملل تلاش کرد تا با تعیین محدوده این حق، زمینه‌های سوءاستفاده را از بین ببرد. مطابق ماده ۲۳ طرح مسئولیت فورس ماژور، یعنی حادثه غیرقابل پیش‌بینی یا خارج از توان دولت، به گونه‌ای که خارج از کنترل دولت باشد، رافع مسئولیت آن دولت است، مشروط به آنکه دولت مذکور در تحقق این وضعیت نقشی نداشته و ناشی از ریسک اقدام و موقعیت آن دولت هم نباشد. بدین منظور، کمیسیون حقوق بین‌الملل به گونه‌ای که این مفهوم را تعریف کرد که بتواند به شکل معمولی در محدوده‌های قابل پذیرش صورت گیرد. در کنار واژه «اقدام متقابل»، واژه «اقدامات تلافی‌جویانه»<sup>(۱۰)</sup> نیز مطرح است.<sup>(۱۱)</sup> این راهی بوده است که به طور سنتی به منظور پاسخ به نقض تعهد و در راستای اصل «خودحمایتی»<sup>(۱۲)</sup> مورد استفاده قرار می‌گرفته<sup>(۱۳)</sup> و نوعاً در قالب اقدامات قهری خود را نشان می‌داده است. هرچند به طور سنتی اقدام تلافی‌جویانه، هم در زمان جنگ به عنوان وادار کردن طرف مقابل به پایبند بودن به مقررات جنگی مطرح بوده است و هم در زمان صلح، اما اخیراً این واژه به اقداماتی محدود شده است که در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی انجام می‌شود.<sup>(۱۴)</sup> در مقابل، واژه «اقدام متقابل» مربوط است به آن نوع اقدامات تلافی‌جویانه‌ای که ارتباط با مخاصمه ندارد و محدود به عملکرد و رویه قضایی بین‌المللی است. اقدامات تلافی‌جویانه با تصویب منشور ملل متحد (بند ۳ ماده ۲) و قطعنامه ۱۹۷۰ مربوط به اصول حقوق بین‌المللی درباره روابط دوستانه و همکاری بین کشورها، پیش از آن به شکل محدود در کنوانسیون شماره دو لاهه معروف به کنوانسیون «پرترا»<sup>(۱۵)</sup> و معاهده عام رد جنگ

عملکرد رژیم اسرائیل در خصوص اقداماتش علیه ملت فلسطین به طور غیرمستقیم متضرر می‌شوند می‌توانند دست به اقدام متقابل بزنند؟ اصولاً مفهوم اقدام متقابل<sup>(۷)</sup> چیست؟ و معیار تشخیص دولت ثالث کدام است؟ آیا عنوان دولت ثالث می‌تواند متمایز از عنوان منتفعان باشد، به گونه‌ای که مفهوم «اعضای جامعه جهانی» را دربرگیرد یا به همان عنوان منتفعان که در ماده ۵۴ طرح ۲۰۰۱ بدان تصریح شده، محدود است؟ به منظور پاسخ دادن به سؤال‌های فوق، در ابتدا مفهوم اقدام متقابل با توجه به رویه قضایی بین‌المللی مدنظر قرار گرفته است. تفکیک اقدام متقابل از اقدام‌های تنبیهی و تلافی‌جویانه به منظور ترسیم مرزی که اگر رعایت نشود عمل دولت‌ها مصداق سوءاستفاده از حق تلقی می‌شود، محور دومی است که بدان پرداخته شده است. در ادامه تلاش شده است که دولت ثالث تصویب شود. و در نهایت شرایط و مقرراتی که دولت ثالث می‌تواند با رعایت آنها از حق اقدام متقابل استفاده کند.

### مفهوم اقدام متقابل

اقدام متقابل، آن اقداماتی است که اگر اقدام دولت مسئول نبود، با تعهدات بین‌المللی دولت صدمه‌دیده (زیان‌دیده) مغایر بود.<sup>(۸)</sup> به عبارت دیگر، اگر رفتار دولت مسئول نبود، چنین رفتارهایی در پاسخ به اقدام خلاف بین‌المللی به منظور توقف عمل خلاف و جبران خسارت ناشی از آن صورت نمی‌گرفت. اقدام متقابل اتخاذ یک روش است که دولت صدمه‌دیده برای احقاق حق و بازگرداندن روابط حقوقی با دولت مسئول که به دلیل ارتکاب عمل خلاف بر هم خورده است، صورت می‌گیرد. چنین حقی، هم توسط دولت‌ها و هم در احکام مراجع حقوقی و قضایی بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است.<sup>(۹)</sup>

است. اقدام متقابل از آنچه در ماده ۶۰ معاهده «وین» نیز آمده است باید متمایز شود. ماده ۶۰ معاهده وین به فسخ یک معاهده یا تعلیق اجرای آن در نتیجه نقض می‌پردازد که ناظر به قواعد اولیه است، در حالی که اقدام متقابل، یک رفتار ضروری و متناسب به رفتار خلاف دولت مسئول و متعهد است که با قواعد ثانویه تعریف می‌شود.

بر اساس بند «ج» از پاراگراف دو ماده ۶۰ معاهده وین، اگر ماهیت معاهده به گونه‌ای باشد که نقض اساسی مقررات آن توسط یک طرف، وضعیت هر کدام از طرف‌های دیگر را در اجرای بعدی تعهدات وی که از معاهده ناشی می‌شود از پایه دگرگون سازد، حق فسخ یا تعلیق به وجود نمی‌آید. در رأی ناجی موریس، دادگاه اعلام کرد که دولت مجارستان در استناد به اقدام متقابل بین دو نوع قواعد خلط کرده است. دولت مجارستان معتقد بود که پایان دادن به معاهده ۱۹۷۷ در سال ۱۹۹۲ پاسخی بوده است به دولت اسلواکی در قالب اقدام متقابل؛ چراکه این دولت با تعریف یک‌جانبه خود از معاهده ۱۹۷۷ به کار خود ادامه داده است.<sup>(۲۱)</sup>

دادگاه در این خصوص گفت: تا آنجا که ادعای دولت مجارستان بر اساس حقوق معاهده‌ای مربوط می‌شود، از نظر دادگاه این تنها یک نقض ماهوی قرارداد است که طرف دیگر را با توجه به ماده ۶۰ معاهده وین مستحق فسخ می‌سازد. اما نقض دیگر قواعد معاهده‌ای یا قواعد حقوق بین‌الملل می‌تواند اقدام مقتضی و مناسب خود را داشته باشد که اقدام متقابل یکی از آن اقدامات خواهد بود. اما این وضعیت مجوزی برای پایان دادن یک‌طرفه به معاهده نخواهد بود.<sup>(۲۲)</sup>

دادگاه علی‌رغم این حکم کلی، بدین موضوع نپرداخت که آیا نقض معاهده ۱۹۷۷ توجیهی برای اقدام متقابل بوده است یا خیر و آیا پایان دادن به معاهده مذکور

(۱۹۲۷) ممنوع شد. البته در سال‌های پس از تصویب منشور، جامعه جهانی شاهد اقداماتی بوده است که مرز بین اقدامات تلافی‌جویانه غیرقانونی از اقدام متقابل و همچنین دفاع مشروع پیش‌گیرانه<sup>(۱۶)</sup> نامشخص شده است.<sup>(۱۷)</sup> برای تمایز بیشتر، باید واژه «اقدام متقابل» را با واژه اقدام تلافی‌جویانه<sup>(۱۸)</sup> مقایسه نمود. عمل متقابل یک رفتار غیردوستانه است که با تعهدات بین‌المللی دولت مربوطه متعارض نیست و در پاسخ به رفتار خلاف صورت گرفته، اعمال می‌شود. برای مثال، می‌توان از ممنوعیت یا محدودیت روابط معمولی دیپلماتیک یا سایر قراردادهای، تحریم‌های مختلف (از جمله تحریم اقتصادی)، و یا کناره‌رفتن از برنامه‌های مربوط به کمک‌های داوطلبانه نام برد. به عنوان یک معیار، می‌توان گفت: تا آنجا که این اقدامات معارض با تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در ارتباط با دولت هدف نباشد از دایره عمل متقابل خارج است و مشمول مواد مندرج در طرح ۲۰۰۱ نمی‌شود.

واژه دیگری که در تبیین معنای اقدام متقابل مؤثر است، واژه «مجازات»<sup>(۱۹)</sup> است که معمولاً در ارتباط با مجازات گروهی صورت پذیرفته توسط سازمان‌های بین‌المللی به کار می‌رود.<sup>(۲۰)</sup> نکته دیگر آنکه مقررات مربوط به توسل به زور به عنوان مجازات یا اقدام تلافی‌جویانه دوجانبه باید براساس مقررات و قواعد اولیه بررسی شوند؛ مقرراتی که - برای مثال - در مواد ۳۹، ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد بدان‌ها پرداخته شده است، در حالی که حوزه مسئولیت با قواعد ثانویه حقوق بین‌الملل مربوط است. هدف در اقدام متقابل، مجازات کردن دولت متخلف نیست، بلکه مطابق آنچه در ماده ۲۳ طرح، در خصوص حادثه فورس مازور گفته شده است، وادار کردن دولت مسئول به پیروی و مطیع تعهدات بین‌المللی شدن

نکته دیگری که در تشخیص مفهوم اقدام متقابل مدنظر است و پروفیسور کرافورد نیز بدان پرداخته، تمایز بین اقدام متقابل و اقدام متقابل دوجانبه است.<sup>(۲۸)</sup> این اصطلاح مربوط است به آن دسته از اقدامات متقابلی که دربرگیرنده تعلیق انجام تعهدات در برابر دولت مسئول است، مشروط به آنکه این تعهدات یا به طور مستقیم مرتبط با تعهد نقض شده باشد یا آنکه با تعهد اصلی همخوانی و مطابقت داشته باشد. در حالی که در اقدام متقابل مصطلح این محدودیت وجود ندارد. برای مثال، اقدام متقابل دوجانبه در خصوص حمایت حقوق بشری قابل تصور نیست. هرچند معیار گفته شده - آنچنانکه خود کرافورد هم معتقد است - نمی‌تواند تمام سخن باشد؛ چراکه ممکن است رعایت اصل تناسب در موارد اقتصادی نیز همین حالت را داشته باشد، که در این صورت، این دو اصطلاح قابل تفکیک نمی‌باشد.<sup>(۲۹)</sup>

#### اقدام متقابل و اقدام تنبیهی

اقدام متقابل را باید با هدف ایجاد توازنی دانست که به دلیل ارتکاب عمل خلاف رخ داده است. دلیل این حالت، اجرای اصل خود حمایتی است. نتیجه این اصل آن است که دولت قاصر را وادار به توقف عمل خلاف کند و به گونه‌ای تضمین‌کننده این حقیقت باشد که دولت ناقض در آینده مجدداً مرتکب رفتار خلاف نشود. در نتیجه، اقدام متقابل، یک اقدام تنبیهی نیست؛ چراکه مجازات‌های تنبیهی در حقوق بین‌الملل جایگاهی ندارد.<sup>(۳۰)</sup> اقدام متقابل باید یک اقدام موقتی تعریف شود. بدین دلیل، در ماده ۵۳ طرح پیش‌نویس اعلام شده است: به محض آنکه دولت مسئول خود را به انجام تعهد وادار کرد، اقدام متقابل نیز متوقف خواهد شد. به همین دلیل، انجام اقدام متقابل توسط دولت زیان‌دیده مورد پذیرش همگان قرار گرفته است.<sup>(۳۱)</sup>

مصادق اقدام متقابل می‌باشد؟ دادگاه نقض تعهد دولت مجارستان را غیرقانونی اعلام کرد؛ شاید اقدام متقابل آن دولت را نیز غیرقانونی اعلام می‌کرد. البته دادگاه به عمل اسلواکی هم به دلیل عدم رعایت اصل تناسب در رابطه با اقدام متقابل اعتراض کرد؛ هرچند قاضی ورشن،<sup>(۲۳)</sup> به رأی دادگاه اعتراض کرد؛ چراکه معتقد بود حکم دادگاه به عدم رعایت اصل تناسب دقیق نبوده است. او معتقد بود تناسب منوط به رعایت دو شرط است: تأثیرات مالی، اقتصادی و تأثیرات زیست محیطی. و این دو حوزه به طور دقیق مدنظر دادگاه قرار نگرفت و از این رو، نمی‌توان اقدام دولت اسلواکی را معارض با اصل تناسب دانست.<sup>(۲۴)</sup>

دیوان دایمی دادگستری در سال ۱۹۲۷ در رابطه با کارخانه «کوززو» اعلام کرد: این یک اصل پذیرفته شده در دادگاه‌های بین‌المللی و داخلی است که یک طرف معاهده نمی‌تواند از این واقعیت به سود خود استفاده کند که طرف دیگر معاهده به طور کامل به تعهدات خود عمل نموده و یا از تمام ابزارها برای جبران خسارت استفاده نکرده است. (این وضعیت همانند موردی است که) دولت سابق با برخی از اقدامات غیرقانونی خود دولت دیگر را از انجام تعهد یا دسترسی به دادگاه بازدارد.<sup>(۲۵)</sup>

دادگاه در پرونده ناجی موریس با استناد به این اصل، ادعای متقابل دولت مجارستان را نپذیرفت؛ چراکه معتقد بود نقض ماهوی قرارداد ۱۹۷۷ دو طرفه به دو شکل متفاوت صورت گرفته است. قاضی فلیش هور<sup>(۲۶)</sup> در نظر مخالف خود اعلام کرد که در یک اشتباه دو طرفه، یک عنصر صحیح که براساس آن، دولت اول بخواهد علیه اقدام دولت دوم دست به فسخ معاهده بزند وجود ندارد. تنها چیزی که در این بین باقی می‌ماند اینک دولت مجارستان حق دارد از دولت اسلواکی غرامت بگیرد؛ نه اقدام متقابل و نه فسخ.<sup>(۲۷)</sup>

اقدام متقابل به عنوان یک اقدام ضروری به منظور وادار کردن دولت ناقض به انجام تعهدات خود می‌باشد.

### اقدام متقابل و دولت ثالث

حق استناد به اقدام متقابل توسط دولت ثالث به طور گسترده توسط روبرت آگو در طرح پیش‌نویس ۱۹۷۹ مدنظر قرار گرفت. او این سؤال را مطرح کرد که آیا اقدام متقابل تنها مرتبط با دولتی است که به طور مستقیم ضرر کرده است و یا اینکه دولت‌های دیگر نیز از این حق بهره‌مند هستند، به ویژه در موردی که منافع جمعی جامعه جهانی به خطر افتاده است. با توجه به خطرات ناشی از سوءاستفاده دولت‌ها برای اعمال این حق، آگو معتقد بود: معیار شناسایی این حق برای دولت‌های ثالث، نقض تعهدی است که برای جامعه جهانی دارای اهمیت زیادی است.<sup>(۳۵)</sup> در این رابطه، نقش سازمان‌های بین‌المللی به منظور جلوگیری از سوءاستفاده دولت‌ها ناشی از اقدام متقابل مهم است.<sup>(۳۶)</sup> وجود نگرانی‌های متعدد باعث شد که طرح جدید (۲۰۰۱) در ماده ۵۴ تنها از دولت صدمه‌دیده سخن بگوید.

بند اول از ماده ۴۹ با لحاظ ماهیت استثنایی اقدام متقابل از واژه «فقط» استفاده کرد تا هرگونه اقدام متقابلی توسط دولت ثالث را ممنوع کند. پروفیسور کرافورد در توضیح این نکته به رأی دیوان بین‌المللی در خصوص پروژه «ناجی موریس» استناد کرده است.<sup>(۳۷)</sup> عبارت رأی دادگاه آن است که اقدام متقابل باید علیه همان دولت باشد.<sup>(۳۸)</sup>

به نظر می‌آید این بند از رأی دلالت بر این دارد که اقدام متقابل فقط علیه مسئول باشد و نه دولت دیگر، اما اینکه چه کسی می‌تواند اقدام کند، معین نشده است. مفهوم دولت ثالث با گزارش روبرت آگو که معتقد بود

این اتفاق نظر، هم در موردی وجود دارد که منفعت یک دولت، صدمه دیده است و هم در موردی مطرح است که منفعت کل جامعه جهانی لطمه دیده است. نکته مهم آن است که در مواردی اقدام متقابل به همان نحوی که دولت مسئول مرتکب شده است (مثل نسل‌کشی در رواندا، کوزوو و عراق)، امکان‌پذیر نیست؛ زیرا ماهیت و اثر عمل متقابل بر ملت آن کشور است نه بر دولت که در نتیجه، در صورت انجام آن عمل باید گفت اقدام تنبیهی رخ داده است نه اقدام متقابل. در چنین مواردی، شاید دولت متضرر بتواند با استناد به ماده ۵۱ منشور ملل متحد به اقدام فردی یا جمعی دفاع از خود بپردازد. بر اساس ماده ۵۰ طرح پیش‌نویس، اقدام متقابل با ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور که در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد آمده، محدود می‌شود و نباید این اصل را خدشه‌دار کند، اما در مواردی که راه انحصاری برای جلوگیری از تداوم نقض تعهد تنها در توسل به زور در قالب دفاع مشروع باشد، می‌توان چنین وضعیتی را پذیرفت. به کارگیری واژه جنگ علیه تروریسم که بیانگر نوعی اقدام متقابل است، تنها در صورتی توجیه حقوقی دارد که در این قالب بگنجد. در طرح پیش‌نویس که توسط پروفیسور آکو تهیه شده، اقدام متقابل نوعی مجازات بود (ماده ۳۰، ۱۹۹۶)، اما در طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل ترجیح داد این ماهیت را کنار بگذارد. پروفیسور آکو اقدام متقابل را در قالب اقدام تلافی‌جویانه تعریف کرد.<sup>(۳۲)</sup> البته هیچ نتیجه‌گیری روشنی راجع به مفهوم تناسب صورت نگرفته است.<sup>(۳۳)</sup> او به برخی محدودیت‌های حقوقی ناشی از هدف معتقد بود.<sup>(۳۴)</sup> کمیسیون در طرح نهایی خود پذیرفت که اقدام متقابل به عنوان یک عمل با ماهیت اجباری که هدف آن وادار کردن دولت به عدم تکرار و کاستن از نقض تعهد است در نظر گرفته شود. از این رو،

۲۰۰۱، دولتی که به خاطر رفتار خلاف مسئول است، متعهد می‌شود که اگر عمل خلاف در حال انجام است آن را متوقف سازد و خسارت مناسب را پرداخت نماید و اگر شرایط عمل به گونه‌ای است که امکان تکرار عمل خلاف است، تعهد کند که آن را تکرار نکند. جمع مواد مذکور، به ویژه ماده ۵۴، بیانگر آن است که استناد دولت ثالث علیه دولت مسئول مرتبط با اقدام متقابل نیست.

سؤالی که در این خصوص وجود دارد اینکه آیا استنباط مذکور در حوزه حقوق بشر هم وجود دارد؟ به عبارت دیگر، آیا پیش‌فرض اقدام متقابل آن است که همیشه متضرر از رفتار خلاف یک دولت خاص است و یا اینکه جامعه جهانی هم می‌تواند متضرر باشد؟ این سؤال به گونه دیگری توسط مک‌کافری<sup>(۴۰)</sup> در کمیسیون حقوق بین‌الملل مطرح شد. او به دو احتمال ناشی از تفسیر موسع و مضیق اشاره می‌کند.<sup>(۴۱)</sup> او معتقد بود که در صورت اول، سؤال دیگری مطرح است: آیا اقدام به شکل جمعی خواهد بود یا انفرادی؟ در هر دو بعد، ارائه یک نظر واحد مشکل است. پروفیسور آگواز این رویکرد دفاع کرد که فقط جامعه جهانی در کل می‌تواند به خاطر نقض تعهدات عام‌الشمول اقدام کند.<sup>(۴۲)</sup> او در سال ۱۹۸۹ از رویکردی دفاع می‌کند که حق اقدام به تک‌تک دولت‌ها می‌دهد. ماده ۲۲ قطعنامه مؤسسه حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۹ اعلام کرد که دولت‌ها به صورت فردی یا جمعی حق دارند نسبت به دولتی که مرتکب نقض تعهد مندرج در ماده یک شده است اقدامات مختلفی پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل را اعمال کنند. این اقدامات معارض با آنچه در بند ۷ از ماده ۲ منشور ملل متحد آمده، نمی‌باشد. رویکرد مذکور در ماده ۴۰ و ۴۱ طرح ۲۰۰۱ نیز پذیرفته شد. مطابق ماده ۴۰، مقررات مذکور در خصوص رفتار ناشی از نقض جدی دولت در

بین قواعد حقوق نوعی تقدم و تأخیر وجود دارد، اهمیت زیادی پیدا کرد. آگو به مدت ۲۰ سال در کمیسیون، مسئولیت تهیه گزارش در خصوص موضوع مسئولیت دولت‌ها را بر عهده داشت. از ابتکارات او، تفکیک بین قواعد حقوق از لحاظ اهمیت و تأثیر ناشی از نقض آنها بود. به عبارت بهتر، او بین جنایت و جنحه قایل به تفکیک بود. بعد از او، ریپاکن از هلند و آرانژیرو روتیز از ایتالیا این تفکیک را دنبال کرد، اما کرافورد استرالیایی رویه دیگری را دنبال کرد، و عملاً در طرح ۲۰۰۱ خبری از این تفکیک نیست.<sup>(۳۹)</sup>

در نتیجه، در طرح جدید برای دولت ثالث حق اقدام متقابل وجود ندارد. ماده ۵۴ طرح جدید به اقداماتی می‌پردازد که هر دولتی غیر از دولت صدمه‌دیده می‌تواند آن را انجام دهد. این ماده با مفهوم «منتفعان از حق نقض شده» سخن می‌گوید، در حالی که از ماده ۴۹ تا ۵۴ از این واژه خبری نیست و تنها واژه دولت صدمه‌دیده وجود دارد. با توجه به این مواد می‌توان گفت: فرضیه ماده ۵۴ در سیاق مواد مربوط به اقدام متقابل است، اما از نظر ماهوی با اقدام متقابل فرق دارد. از این رو، در این ماده، محدوده اجرایی به ماده ۴۸ واگذار شده است که این ماده ارتباطی با اقدام متقابل ندارد. مطابق ماده ۴۸ طرح ۲۰۰۱، هر دولتی غیر از دولت صدمه‌دیده می‌تواند به مسئولیت دولت دیگر استناد کند، مشروط به آنکه تعهد نقض شده مربوط به گروهی از دولت‌ها و نیز در راستای دفاع و حمایت از منافع جمعی باشد. نیز تعهد مذکور مربوط به جامعه جهانی به عنوان کل جامعه باشد. بر اساس این ماده، حق دیگر دولت‌ها در خصوص تعهد نقض شده شامل درخواست توقف عمل خلاف، تضمین عدم انجام مجدد آن و تعهد به جبران خسارت در راستای منافع دولت صدمه‌دیده یا منتفعان می‌باشد. بر اساس ماده ۳۰ طرح

بشری می‌باشد. اساس تعهد سلبی اول در نظریه استیمسون<sup>(۴۴)</sup> وزیر خارجه وقت دولت آمریکا در رابطه با بحران منچوری (۱۹۳۱-۱۹۳۲) می‌باشد که نتیجه آن، تحقق نظام عدم شناسایی موقعیت ایجاد شده توسط عراق در کویت است (۱۹۹۰). شورای امنیت در قطعنامه ۶۶۲، اعلام کرد که انضمام کویت به عراق هیچ اعتبار حقوقی ندارد. در قطعنامه مربوط به اصول روابط دوستانه بین‌المللی و همکاری بین دولت‌ها، بر اساس منشور ملل متحد، این اصل مورد تأکید قرار گرفت و تصریح شد که دولت‌ها نباید موقعیت ایجاد شده از طریق اشغال نظامی را مورد شناسایی قرار دهند.<sup>(۴۵)</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ترافیعی خود در خصوص شکایت نیکاراگوئه علیه آمریکا، پذیرش اجتماعی قطعنامه مذکور توسط دولت‌ها را به عنوان یک پذیرش معتبر مورد تأیید قرار داد.<sup>(۴۶)</sup> دقیقاً می‌توان به اشغال فلسطین بر اساس قطعنامه مذکور استناد کرد.

سؤال مهم دیگری که باید بدان پرداخت این است که آیا قواعد حقوق بشری، قواعد آمره هستند یا خیر؟ رجوع به آراء قضایی بیانگر آن است که اعتقاد به آمره بودن حداقل برخی از قواعد حقوق بشری از نیمه دوم قرن بیستم مورد پذیرش قرار گرفته است. دیوان در قضیه «بارسلونا تراکشن» اعلام کرد: برخی از تعهدات مرتبط با کل جامعه جهانی می‌باشد. باشد.<sup>(۴۷)</sup> البته دیوان به تعیین مصداق در این رابطه نپرداخت. دادگاه‌های آمریکایی شکنجه را عملی دانسته‌اند که تحت هر شرایطی ممنوع است.<sup>(۴۸)</sup>

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود راجع به حق اعمال شرط در مورد کنوانسیون «ژنو ساید» اعلام کرد که این عمل از نظر جهانی ممنوع است و در نتیجه، به عنوان قاعده آمره پذیرفته شده است.<sup>(۴۹)</sup>

راستای تعهدات عام‌الشمول اعمال می‌شود. بند ۲ همین ماده اعلام کرده است که نقض یک تعهد، آن‌گاه خیلی خطرناک و جدی است که دربرگیرنده نقض سیستماتیک و گسترده اجرای تعهدات باشد. ماده ۴۱ با عنوان «نتایج ناشی از نقض تعهدات عام‌الشمول» اعلام کرده است که دولت‌ها باید در راستای پایان دادن به نقض جدی تعهدات مذکور به معنای مندرج در ماده ۴۰ از طریق ابزارهای قانونی اقدام کنند.

مطابق بند دوم ماده ۴۱، هیچ دولتی نباید این موقعیت را شناسایی کند و یا کمکی به حفظ آن نماید. دامنه شمول این ماده بر اساس بند سوم، شامل نتایج فعلی و آینده می‌باشد.

بند یک این ماده بیانگر تعهد ایجابی دولت‌هاست. نوع تعهد به دلیل متفاوت بودن شرایط، تعریف نشده است. این تعهد می‌تواند در قالب سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد شکل بگیرد. لازم است اقدامات دولت‌ها در خصوص پایان دادن به نقض تعهد، در چارچوب مقررات حقوق بین‌الملل باشد. تعهد به همکاری، تعهد روشن دولت‌ها در این خصوص است.<sup>(۴۳)</sup> روشن است که تلاش مشترک کشورها در مواجهه با نقض جدی تعهدات بین‌المللی بسیار مؤثر است. توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل می‌طلبید که معیار قوی‌تر در برخورد با نقض تعهدات عام‌الشمول صورت گیرد و ضرورت چنین توسعه‌ای کمیسیون را بر آن داشت که به تدوین بند یک از ماده ۴۱ پردازد.

پاراگراف دوم این ماده به دو نوع تعهد سلبی پرداخته است. عدم شناسایی موقعیت ایجاد شده و عدم ارائه کمک برای حفظ و بقای این وضعیت، دو نوع تعهدی هستند که متوجه همه کشورهای جهان در خصوص نقض تعهد جدی مقررات بین‌الملل به ویژه در حوزه قواعد حقوق

آنها می‌توان به وجود قواعدی پی برد که در هر حال لازم‌الاجرا هستند و از ویژگی آمره بودن برخوردارند. (۵۶) البته عملکرد کشورها در این رابطه متفاوت می‌باشد - که خود بحث مستقلی می‌طلبد - چراکه عملکرد دولت‌ها یکسان نیست و باید با در نظر گرفتن عرف بین‌المللی بدان پاسخ داد. برای نمونه، در مواردی شاهد آن هستیم که تنها دولت‌های متبوع قربانیان و دولت صدمه‌دیده دست به اقدام متقابل زده‌اند. در مواردی دیگر، سایر دولت‌ها به طور انفرادی عمل کرده‌اند، چنان‌که در مواردی، نهادهای بین‌المللی مثل سازمان ملل اقدام کرده است. (۵۷)

### شرایط اقدام متقابل

بر اساس ماده ۴۹ طرح ۲۰۰۱، هدف و محدوده اقدام متقابل به قرار ذیل است:

۱. دولت صدمه‌دیده تنها می‌تواند علیه دولت مسئول دست به اقدام متقابل بزند و هدف از این کار نیز وادار کردن آن دولت است که بر اساس تعهدات بین‌المللی خود عمل کند.

۲. اقدام متقابل محدود به مدت زمانی خواهد بود که دولت مسئول اقداماتی در راستای انجام تعهدات خود به عمل آورد.

۳. تا حد ممکن اقدام متقابل باید در مسیری قرار گیرد که از سرگیری انجام تعهدات را امکان‌پذیر کند.

آنچه در این ماده مطرح شده، تبیینی است از شرایطی که دولت‌ها، صدمه به هنگام اقدام متقابل باید رعایت کنند. اقدام متقابل فقط علیه دولت مسئول است، هرچند دولت‌های ثالث حق دارند در برابر دولت مسئول، اقداماتی - نه در قالب اقدام متقابل - به منظور وادار کردن دولت مسئول برای انجام تعهد خود انجام دهند. به طور مشخص، تعلیق رفتار خلاف و فراهم آوردن شرایطی به

دیوان در این رأی اعلام کرد: اصول برجسته این کنوانسیون همان اصولی است که به وسیله ملل متحد به عنوان الزامات و تعهدات غیرقراردادی دولت‌ها پذیرفته شده است. (۵۰) دیوان ضرورت محکومیت جهانی ژنو ساید و همکاری همه‌جانبه برای رهانیدن بشریت از این افت نفرت‌انگیز را ضروری دانست. (۵۱) کمیته حقوق بشر به شکل مبنایی و مصداقی اعلام کرد که برخی از قواعد حقوق بشر از ویژگی آمره بودن به معنای مندرج در ماده ۵۳ کنوانسیون وین (۱۹۶۹) برخوردار هستند. حق حیات، ممنوعیت سلب عامدانه حق حیات، ممنوعیت شکنجه، بازداشت غیرعمدی، حق مطالبه غرامت مؤثر برای هر نوع نقص جدی حقوق بشر و حق جبران خسارت از جمله این حقوق می‌باشند. (۵۲) کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی و عمومی خود راجع به این حقوق نیز معتقد بود: این حقوق ویژگی ذاتی و جمعی را دارا می‌باشند؛ در نتیجه، قابل تعلیق در شرایط اضطراری به معنای مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی نمی‌باشند. (۵۳)

کمیته مذکور، همین دیدگاه را در رابطه با تعقیب عدالت کیفری برای ناقضان حقوق بشر مدنظر قرار داد. در پاراگراف ۱۷ از تفسیر عمومی (۵۴) در خصوص میثاق حقوق مدنی و سیاسی، این توجه را به همه دولت‌های عضو داد که نه تنها کمیته، بلکه دولت‌های عضو به طور مستقیم مسئولیت دارند اجازه نظارت را به دولت‌های عضو در رابطه با عملکرد خویش بدهند. مواردی که مرز مشترک حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه می‌باشند نیز مورد توجه دادگاه‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند. در رأی تجدیدنظر تاجیک، دیوان با استناد به پاراگراف ۷۸ رأی مشورتی در خصوص مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای اعلام کرد که هرگز شهروندان عادی نباید به عنوان هدف نظامی تلقی شوند. (۵۵) موارد دیگری نیز وجود دارد که از مجموع

منظور پرداخت غرامت می‌تواند مدنظر باشد. پس اقدام متقابل نوعی مجازات به شمار نمی‌آید، بلکه ابزاری است که یک دولت بر اساس مواد بخش دو «طرح مسئولیت بین‌المللی» وادار به انجام تعهد خود شود. پیش شرط اساسی برای هر نوع اقدام قانونی در خصوص اقدام متقابل، وجود یک اقدام خلاف بین‌المللی است، اعم از آنکه خسارتی به وجود آمده باشد یا خیر. احراز وجود رفتار خلاف در این خصوص ضروری است. دیوان در پرونده «ناجی موریس» اعلام کرد که برای آنکه اقدام متقابل توجیه‌پذیر باشد شرایط چندی لازم است: شرط اول آن است که این اقدام در پاسخ به یک رفتار خلاف بین‌المللی قبلی دولت دیگر باشد و مستقیماً علیه آن دولت هدایت شود. (۵۸)

در کنفرانس تدوین مقررات حقوق بین‌الملل لاهه ۱۹۲۰ همه دولت‌ها در پاسخ به این سؤال - وجود رفتار خلاف - پاسخ دادند که وجود رفتار خلاف پیش شرط پذیرش مقابله به مثل (۵۹) است. بر اساس بند یک ماده ۴۹، اگر رفتار خلاف به طور کامل ثابت نشده باشد اقدام متقابل خود یک عمل خلاف است که می‌تواند مسئولیت بین‌المللی را به دنبال داشته باشد. دیوان در قضیه خدمات هوایی تصریح کرد که هر دولتی در برابر دولت‌های دیگر سعی می‌کند یک موقعیت حقوقی برای خودش ایجاد کند، ولی این توجیه نباید به گونه‌ای باشد که انجام اقدام متقابل آمریکا علیه فرانسه را توجیه کند، اعم از آنکه دولت فرانسه تعهد خود را نقض کرده باشد یا خیر. دیوان معتقد است وجود یک نقض تعهد برای استناد به اقدام متقابل کافی نیست. دادگاه در این پرونده معتقد شد که آمریکا به طور واقعی به نقض توافقنامه توسط فرانسه جواب داده و جواب او در حد یک اقدام متقابل بوده است، به ویژه آنکه دولت آمریکا اصل تناسب را نیز

رعایت کرده است. (۶۰)

براساس شرط دوم از ماده ۴۹، اقدام متقابل نمی‌تواند علیه دولت ثالث باشد. همان‌گونه که دیوان در رأی ناجی موریس (پاراگراف ۸۳) اعلام کرد، منظور آن است که ثالث هدف اقدام متقابل نباشد، هرچند از اقدام متقابل صدمه ببیند. برای مثال، مسدود کردن یک جاده ترانزیتی به عنوان اقدام متقابل، می‌تواند نسبت به همه منتفعان ضرر برساند.

پاراگراف اول ماده ۵۰ طرح مزبور به شرط دیگری پرداخته است. اقدام متقابل علیه دولت خاطی نباید به افراد تحت حمایت لطمه وارد کند و به طریق اولی نباید به تعهدات حقوق بشری صدمه برساند. در رأی «نالیا» (۶۱) دیوان اظهار کرد: اقدام متقابل قانونی محدود به الزامات بشری و قواعدی خواهد بود که براساس اصل حسن نیت بین طرفین لازم‌الاجراست. (۶۲)

مؤسسه حقوق بین‌الملل در قطعنامه ۱۹۳۴ اظهار کرد که اقدام متقابل در دولت نباید در تعارض با قواعد حقوق بشری و وجدان عمومی باشد. در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ و نیز رأی ۲۰۰۴ در خصوص مشروعیت اقدام اسرائیل در احداث دیوار حائل، این موضوع مورد تأکید قرار گرفت. در سال ۱۹۹۶ کمیته حقوق اقتصادی، فرهنگی در تفسیر کلی خود اعلام کرد که تأثیر مجازات‌های اقتصادی بر جمعیت غیرنظامی، و به ویژه کودکان باید همیشه مدنظر باشد. از نظر این کمیته، چنین اقداماتی همیشه باید با در نظر گرفتن کامل مقررات میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی باشد. (۶۳) به هر حال، این ضروری است که بین هدف اصلی از اعمال فشار از نوع اقتصادی و سیاسی بر دولت به منظور وادار کردن او به انجام تعهدات خویش و خسارات جانبی که بر گروه‌های آسیب‌پذیر در

ز. اقدام متقابل نباید دربرگیرنده تأثیرات بسیار زیان‌آور برای دولت خاطی باشد. این بند، به اصل تناسب اشاره دارد که در بند بعدی بدان پرداخته خواهد شد.

### اصل تناسب و اقدام متقابل

از آن‌رو که اقدام متقابل، یک حق برای دولت صدمه‌دیده محسوب می‌شود، این احتمال وجود دارد که همانند سایر، دولت متضرر در خصوص استفاده از آن مرتکب سوءاستفاده شود. برای فرو کاستن از این خطر، موضوع تناسب در رابطه با اقدام متقابل مطرح شد. پروفیسور آگو ابتدا اقدام تلافی‌جویانه را به عنوان یک اقدام تنبیهی تلقی کرد و تلاش کرد اقدام متقابل را در قالب یک مجازات اضطراری و نه تنبیهی تعریف کند، اما در ادامه تلاش‌های علمی خود، به این جمع‌بندی رسید که اصل ضرورت و تناسب را مورد توجه قرار دهد. هدف او از این طرح آن بود که یک برابری بین تعهد نقض‌شده و پاسخ داده‌شده به آن به وجود آورد. برای تحقق این مهم، باید استفاده از حق مذکور با تضمینات ماهوی و شکلی همراه شود. ضرورت اطلاع دادن به دولت مسئول در رابطه با انجام اقدام متقابل در راستای اصل تناسب باید تعریف شود. اطلاع دادن می‌تواند نزدیک به زمان ورود خسارت و نقض تعهد و یا در همان زمان باشد. تناسب، هم در خصوص موضوع اصلی مورد اختلاف و هم در اقدامی که به عنوان اقدام متقابل دنبال می‌شود می‌تواند مدنظر باشد. ضرورت رعایت تناسب، هم در رابطه با کشورها و هم در رابطه با سازمان‌های بین‌المللی، هم در مورد معاهدات و هم در زمان مخاصمه مورد پذیرش و مطمح‌نظر بوده است.

برای مثال، آیین‌نامه‌های مورخ ۱۷ و ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۴ شورای اروپا که به منظور تقویت سیاست بازرگانی

کشور هدف وارد می‌شود، تمایز ایجاد شود.<sup>(۶۴)</sup>

این تمایز در ماده ۵۴ (بند یک) پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ نیز مطرح است. گرسنه نگاه‌داشتن غیرنظامیان به عنوان یک روش جنگی ممنوع است.<sup>(۶۵)</sup> بند چهار همین ماده به ممنوعیت اقدامات تلافی‌جویانه در رابطه با جمعیت غیرنظامی اشاره کرده است.<sup>(۶۶)</sup> از آن‌رو که اقدامات متقابل می‌تواند نتایج خطرناکی را به دنبال داشته باشد، ضروری است برای دولت مسئول فرصت مواجه شدن با نتایج حاصل از اقدام متقابل داده شود. به هر حال، دولت خاطی باید توجه کند که در صورت عدم اجرای تعهدات بین‌المللی با نتایج تلخ و سختی مواجه خواهد شد. پیدا کردن این توجه در گرو ایجاد فرصتی است که توسط دولت زیان‌دیده ایجاد می‌شود.

با لحاظ آنچه گذشت و با توجه به محتوای ماده ۵۴ طرح مسئولیت، می‌توان در خصوص شرایط اقدام متقابل این‌گونه جمع‌بندی کرد:

الف. استفاده از زور مطابق آنچه در منشور ملل متحد آمده (بند ۴ ماده ۲) ممنوع است.

ب. حقوق بنیادین بشر در هر حال باید مورد توجه و دفاع باشد.

ج. قواعد حقوق بشردوستانه باید رعایت شوند؛ در نتیجه، اقدام تلافی‌جویانه ممنوع است.

د. رعایت نرم‌ها و هنجارهای اولیه حقوق بین‌الملل ضروری است.

ه. نمایندگی دیپلماتیک یا کنسولی، آرشیو و سایر اسناد مربوط مورد احترام خواهند بود.

و. ضروری است کشورها از آیین حل و فصل پذیرفته‌شده بین خود استفاده کرده و اختلاف را حل کنند، مشروط به آنکه دولت مسئول حسن نیت خود را نشان داده باشد.

تعهد خود شد، اقدام متقابل باید فوراً پایان پذیرد. در واقع، انجام تعهد توسط دولت مسئول زمینه هرگونه اقدام متقابل را از بین می‌برد. ماده ۵۳ طرح مسئولیت به این نکته اشاره می‌کند و از باب اهمیت و موقعیت ویژه، جداگانه و در طی یک ماده به ذکر آن پرداخته. هرچند نیازی به این کار نبود؛ چراکه دلیل اتمام اقدام متقابل، همان دلیل شروع است. این ماده در واقع، تبیینی از شرایط مندرج در ماده ۴۹ طرح مسئولیت است.

### نتیجه‌گیری

ضرورت ضمانت اجرا در رابطه با انجام تعهدات بین‌المللی دولت‌ها همیشه مدنظر حقوق بین‌الملل بوده است. در این زمینه، ضمانت اجراهای چندی نیز مورد پذیرش واقع شده است. از جمله چنین ضمانت‌هایی، اقدام متقابل است. اقدام متقابل در رویه قضایی مورد پذیرش قرار گرفته است. برای مثال می‌توان به رأی ماهوی ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶ دیوان در خصوص شکایت نیکاراگوئه علیه آمریکا (پاراگراف ۱۴) و پرونده «ناجی موریس» ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ و همچنین گزارش ریباگن<sup>(۶۹)</sup> که مربوط است به گزارش مقدماتی در رابطه با محتوا و میزان مسئولیت بین‌المللی، و گزارش سوم روئین<sup>(۷۰)</sup> در رابطه با مسئولیت دولت و در نهایت، گزارش سوم کرافورد در این زمینه، اشاره کرد. شاید مهم‌ترین پرونده‌ای که به تفصیل موضوع اقدام متقابل را دنبال کرد، پرونده ناجی موریس باشد. علی‌رغم این پذیرش، توافق زیادی در رابطه با نقش و جایگاه اقدام متقابل هنوز صورت نگرفته است. مشکل اصلی در این خصوص ناشی از فقدان چارچوبه نظریه پذیرفته‌شده جهانی است. اقدام متقابل در قرن نوزدهم به عنوان ابزار خودیاری و با این هدف که دولت صدمه‌دیده ادعای خود

مشترک به تصویب رسید، اقدامات متقابل را در مبارزه با رویه تجاری غیرقانونی پذیرفت.<sup>(۶۷)</sup> بر این اساس، جامعه اروپا در اوایل دهه هشتاد در واکنش به تهاجم آرژانتین به جزایر مالویناس (فالکلند)، اقدامات متقابل وسیعی را در حوزه امور اقتصادی علیه آن کشور اعمال کرد. تناسب در هر مورد باید با توجه به شرایط موجود مورد بررسی قرار گیرد. ضرورت حفاظت از خود نباید منجر به رفتاری فراتر از حد ضرورت شود. آیین‌نامه مذکور تناسب را در قالب برقراری توازن میان حقوق و تکالیف ناشی از توافقنامه‌های ذی‌ربط تعریف کرد. بر اساس ضرورت رعایت تناسب، ماده ۵۰ طرح مسئولیت انجام برخی از اقدامات را به عنوان اقدام متقابل ممنوع کرد. تهدید یا توسل به زور که در منشور ملل متحد ممنوع شده است از جمله این رفتارهاست. اقدامات متقابل نباید به تعهدات مربوط به حمایت از حقوق بنیادین بشری لطمه وارد کند. همچنین انجام اقداماتی در تعارض با تعهدات حقوق بشردوستانه که اقدام تلافی‌جویانه را ممنوع می‌کند، و رفتاری که با دیگر نرم‌های اولیه حقوق بین‌المللی عمومی در تعارض است و هر رفتاری که به اصل مصونیت امکان دیپلماتیک و کنسولی، آرشوها، اسناد و مأموران مربوطه لطمه وارد کند، معارض با اصل تناسب است. از این رو، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۱۹۸۰ در خصوص قضیه گروگان‌گیری به این نکته توجه کرد که کنوانسیون ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین در رابطه با روابط دیپلماتیک و کنسولی برای وادار کردن یک دولت به انجام تعهدات خود در رابطه با روابط کنسولی، رفتار مناسب در قالب اقدام متقابل را معین کرده است. معرفی فرد متخلف، اخراج وی و در نهایت قطع روابط دیپلماتیک و کنسولی، اقدام مناسب است.<sup>(۶۸)</sup> بر همین اساس، اگر دولت متخلف، وادار به انجام

- ۱۷- رابرت بلدسو و بوسلاو بوسچک، همان، ص ۴۱۶.
18. Retorsion.
19. Sanction.
20. Jams Crawford, Ibid.
21. Hungarian Declaration Concerning the Termination of the Treaty, *ILM*, para 5.
22. ICJ, Reports, para. 106.
23. Vereschetion.
24. Judge Vereschetion, *supra* note, 22.
25. PCIJ, series, A, No, 9 at 31.
26. Fleischhuer.
27. ICJ, Reports, *supra*, note, 21.
28. Reciprocal Countermeasures.
29. Jams Crawford, *op.cit*, p. 327.
30. Jams Crawford, Ibid, p. 283.
31. Koskenniemi, Solidarity Measures State Responsibility as a new International *law* (71) BYIL, p. 337-339.
32. YILC, II, I, at11, 1985.
33. Fourth, Report, *supra*, note, 12, para, 53-56.
34. Ibid.
35. YILC, 1979, Vol, 11, part one, para, 91,92.
36. Ibid.
37. Jams Crawford, Ibid, p. 330.
38. ICJ. Reports, 1997 para. 83.
39. YILC. 1979, vol. 11. Para. 91-92.
40. MC Cafrey.
- ۴۱- جوزه جیل آمپاروسان، «مسئولیت بین المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر»، ترجمه ابراهیم بیگزاده، تحقیقات حقوقی، ش ۲۹-۳۰، ص ۲۹۲.
- ۴۲- همان، ص ۲۹۳.
43. Article, on, the international law Commission articles on state responsibility, 41.
44. Stimson.
45. G.A.Res. 2625lxxv.
46. ICI. Reports, 1989, para, 188.
47. ICT.Reports. 1970. pare.33.
48. H. B. Nina, *Jargensen, The Responsibility of States for International, Crimes*, p. 80.
49. ICT. Reports, 1951, p. 15.
- را ثابت کند در قالب یک اقدام غیرقانونی شکل می‌گرفت. در نیمه اول قرن بیستم این تلقی تا حد زیاد عوض شد. این تغییر نگاه ناشی از سوءاستفاده‌های زیادی بود که از این عنوان به عمل می‌آمد. تلاش‌های زیادی از سوی مجامع بین‌المللی و به ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل با رویکرد تدوین مقررات عرفی در این رابطه صورت گرفت. طرح شرایط حداقلی مندرج در ماده ۵۴ و تأکید بر چارچوبه مشخص همچون محدوده زمانی، اصل تناسب و ضرورت پایان بخشیدن در اقدام متقابل در صورت رعایت دولت خاطی، همگی با هدف تعیین ضوابط کلی حاکم بر اقدام متقابل در راستای استفاده صحیح از این حق می‌باشد.
- پی‌نوشت‌ها** .....
- ۱- رابرت بلدسو و بوسلاو بوسچک، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه علیرضا پارسا، ص ۴۱۷.
- ۲- همان.
- ۳- همان، ص ۴۱۵.
- ۴- مسعود راعی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عملکرد افراد و گروه‌های عادی در پرتو رویه قضایی بین‌المللی، پایان‌نامه دکتری، رشته حقوق، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
5. Gobicikov-Naggmaros, ICJ Report, 1997.
6. Ibid, para, 80.
7. Counter Measure.
8. Jams Crawford, *The International law Commissions Articles on State Responsibility*, p. 324.
9. O. Y. Elagab, *The Legality of Non Forcible Counter Measures in International law*, p. 37-41.
10. Reprisal.
- ۱۱- رابرت بلدسو و بوسلاو بوسچک، همان، ص ۴۱۵.
12. Self-Help.
13. Jams Crawford, Ibid, p. 325.
14. Ibid.
15. The porter convention.
16. Anticipatory self-defence.

- Hungarian, Declaration, Concerning the Termination of the Treaty, 1993.
- ICJ, Reports, 1997 (Gabcikov-Nagymaros)
- ICJ, Reports, 1970.
- ICJ, Reports, 1951.
- ICJ, Reports, 1986.
- ICJ, Reports, 1949.
- Crawford, Jams, *The International law Commissions Articles on State Responsibility, Introduction*, Text and Commentaries Cambridge, University, 2002.
- PCIJ, Reports, 1927. Series, A.
- Koskenniemi, Solidarty Measures State Responsibility as a new Internation law (71) BYIL, 2001.
- O. Y. Elagab, *The Legality of Non Forcible Counter Measures in International law*, Oxford, Clarendon, Press, 1988.
- Nina, H.B., *Jargensen, The Responsibility of States for International, Crimes*, Oxford University, 2003.
- The Charter of United Nations YILC, VOL, 11, 1979.
- UNRIAA, VOL, XVIII, 1979.
- UNRIAA, VOL, II, 1928.
- Vienna Convention on the Law of Treaties United Nations UN, Treaty Series, VOL, 1155.
- Vienna Convention on Diplomatic Relation (1961) And Vienna Convention on Consular Relations (1963), United Nations, Treaty Series, VOL, 596.
50. Ibid.
51. Ibid.
52. CCP, RPara, 14-29.
53. Ibid.
54. General Comment.
55. Tadic, para, 10-102.
56. British, *Mannal of the Law of Armed Conflict*, para. 8-15.
- ۵۷- حوزه جیل آمپاروسان، همان، ص ۲۹۸.
58. ICI, Reports, 1997, para, 83.
59. Reprisals.
60. UNRIAA, VOL, XVTH, 1979, para, 81.
61. Naulilaa.
62. UNRIAA, VOL, II, 1928, p. 1013.
63. EIC, 12/1997/8, para. 1.
64. UN, Treaty, Series, VOL, 999, p. 171.
65. UN, Treaty, Series, VOL, 1125, p. 3.
66. Ibid.
- ۶۷- سیدقاسم زمانی، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، شخصیت، مسئولیت، مصونیت، ص ۱۸۸.
68. ICI, Reports, 1980, p. 38-40.
69. Riphagen.
70. Arougio Rutz.
- منابع** .....
- آمپاروسان، حوزه جیل، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر»، ترجمه ابراهیم بیگزاده، تحقیقات حقوقی، ش ۲۹ و ۳۰.
- رابرت بلدسو، بوسلا وبوسچک، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه علیرضا پارسا، تهران، قومس، ۱۳۷۳.
- زمانی، سیدقاسم، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، شخصیت، مسئولیت، مصونیت، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۴.
- British, *Mannal of the Law of Armed Conflict*, 2004 .
- *Convention on the Settlement of Investment Disputes Between States and National of Other States*, Washington, United Nations, Treaty Series, v. 575.
- ILC, Reports, 1997/8.